

وَأَبْصِرْ لَهُمْ صُفُوفَهُمْ يَوْمَئِذٍ ۝۵۱

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ۝۵۲

فَإِذَا نَزَلَ بِصَاحِبِهِمْ فَسَاءَ صَبَابُ الْمُنذِرِينَ ۝۵۳

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ ظُلْمًا حَتَّىٰ جَاءَهُمْ ۝۵۴

وَأَبْصِرْ لَهُمْ صُفُوفَهُمْ يَوْمَئِذٍ ۝۵۵

سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝۵۶

وَسَلَّمَ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۝۵۷

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝۵۸

وینگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۵) .

آیا این کافران عذاب مارابشتاب می طلبند (۱۷۶) .

پس چون فرود آید عذاب بمیدان ایشان بدباشد بامداد بیم کردگان (۱۷۷) .

ورویگردان از ایشان تامدتی (۱۷۸) .

وینگر پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۹) .

پاکی ست پرورد گار ترا خداوند غلبه از آنچه این جماعت بیان می کنند (۱۸۰) .

وسلام بادبر فرستادگان خدا (۱۸۱) .

وسپاس خدای راست پرورد گار عالم ها (۱۸۲) .

سوره ص مکی است و آن نودونه
آیت و پنج رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۝۱

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ۝۲

كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ فَتَدَّوْا وَأَآذَتْ جِنَّ مَنَاصٍ ۝۳

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم بقرآن خداوند پند (که آنچه بآن دعوت میکنی راست است) (۱) .

بلکه کافران درسرکشی و مخالفت اند (۲) .

چقدر هلاک کردیم پیش از ایشان قرنهارا پس فریاد برآوردند و نبود آن وقت خلاصی (۳) .

و تعجب کردند از آنکه بیامد بایشان بیم کننده از قوم ایشان و گفتند این کافران این

شخص جادو گرد و وگوئیست (۴) .

آیا گردانید معبودان معتدد را يك معبود

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا سِيرٌ
كَذٰبٌ ۝۴

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلٰهًا وَاحِدًا إِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ۝۵

هر آئینه این چیزی ست عجیب (۵) .
 و برقتند اشراف از ایشان بایکدیگر گویان
 که بروید و شکیبائی کنید بر عبادت
 معبودان خود هر آئینه این دین نوفتنه
 است که اراده کرده شده است (۶) .

نه شنیدیم این قول را در دین پسین^(۱)
 نیست این مگر افتراء (۷) .

آیا فرود آورده شد برین شخص قرآن
 از میان ما بلکه این کافران در شک انداز
 پندمن بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا
 (۸) .

آیا نزد ایشانست از خزانه های رحمت
 پروردگار غالب بخشاینده تو (۹) .

آیا ایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین
 و آنچه در میان آنها ست پس باید که
 بالاروند آویخته بریسمانها^(۲) (۱۰) .

لشکری هست آنجا شکست داده شده
 از جمله گروه ها^(۳) (۱۱) .

دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح و عاد
 و فرعون خداوند میخها^(۴) (۱۲) .

و ثمود و قوم لوط ساکنانِ ایکه (تکذیب
 کردند) ایشان بودند گروه های بسیار

وَأَطْلَقَ الْمَلَكُ مِنْهُمْ أَنْ امْسُوا وَاصْبِرُوا عَلَى الْعَذَابِ إِنَّ هَذَا
 لَكُنَّ يَوْمًا ۝

مَا سِعَمَ أَلْبَابِي الْبَلَاءَ الْآخِرَةَ إِنَّ هَذَا آلا
 انْجِلَاقِي ۝

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ
 ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوُّوا عَذَابِي ۝

أَمْ عِنْدَ هُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۝

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَادْعُوا
 فِي الْكُتُبِ ۝

جُنْدًا مَلَأْنَاكَ مَهْرُومًا مِنَ الْأَحْزَابِ ۝

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأُنْتَابِ ۝

وَتَمُودٌ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ نَيْلِكَةَ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ۝

(۱) یعنی قرآن آخر که ما آن را دریا فتمیم واللہ اعلم .

(۲) یعنی بریسمان آویخته هم نمی توانند که با آسمان روند پس چطور پادشاهی واللہ
 اعلم .

(۳) یعنی از جنس گروه ها که با انبیاء مخالفت کردند .

(۴) یعنی بچه هارا به میخ تعذیب می کرد .

وقوی (۱۳) .

نیست هیچ کس از ایشان مگر تکذیب کرد پیغامبران را پس حتمی شد عقوبت من (۱۴) .

و انتظار نمی برند کفار این عصر مگریک نعره تند را یعنی نفخه قیامت که نه باشد آنرا هیچ توقف (۱۵) .

و گفتند (بطریق استهزا) ای پروردگار ما شتاب ده مارا سرنوشت ما از عقوبت پیش از روز حساب (۱۶) .

صبر کن بر آنچه میگویند و یادکن بنده ماداؤد خداوند قوت را هر آینه اورجوع کننده بود^(۱) (۱۷) .

هر آینه رام ساختیم همراه او کوه هارا تسبیح میگفتند به وقت شام و صبح (۱۸) .

و رام ساختیم مرغانرا بهم آورده هریکی برای او فرمانبردار بود (۱۹) .

و محکم کردیم پادشاهی او را و دادیمش حکمت و سخن واضح (۲۰) .

و^(۲) آیا آمده است پیش تو خبر گروه خصومت کننده بایکدیگر چون ازدیوار جسته داخل شدند بمسجد (۲۱) .

چون درآمدند برداؤد پس بترسید از ایشان

إِنَّ كُلَّ الْإِلَهِاتِ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ ۝۳

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهُا مِنْ قُوَّةٍ ۝۴

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْنَا إِنَّا قُلْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ۝۵

إِصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَلَا تُكْرِبْهُمَ ۚ إِنَّكَ عِنْدَ رَبِّكَ بِرَءِيفٍ ۝۶

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُمْ يُسَبِّحْنَ بِالْعَبَسِيِّ ۚ وَالْأَشْرَاقِ ۝۷

وَالظُّلُمِ مَحْشُورَةً ۚ كُلُّ لَهٍ آوَابٌ ۝۸

وَشَدَّدْنَا لِللَّهِ وَالْإِنْبِيَاءِ الْحِكْمَةَ ۚ وَقَصَلْنَا الْبَطَابِ ۝۹

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا بِالْبُرْجِ ۝۱۰

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا نَحْفَظُ خَصْمِ بْنِ

(۱) یعنی بسوی خدا .

(۲) مترجم گوید که داؤد علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبه شخصی یا در نکاح او بود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را بجهت تنبیه داؤد بشکل خصوم متمثل ساخت اشارت باین قصه است درین آیات واللّه اعلم .

گفتند مترس ما دو خصومت کننده ایم
ستم کرده است بعض مابریعض پس
حکم کن میان ما براستی وجور مکن
ودلالت کن مارا براه راست (۲۲) .

این برادر من ست بدست اوست نودونه
میش وپیش من يك میش ست پس گفت
این شخص بمن بسیار این يك میش را
ودرستی کرد بامن درسخن گفتن(۲۳) .

گفت داوود هرآئینه ستم کرد بر تو بخواستن
میش توتابهم آرد بمیشهای خود وهرآئینه
بسیاری ازشریکان ستم می کنند بعض
ایشان بر بعضی مگرآنکه ایمان آوردند
وکارهای شائسته کردند واندک اندایشان
وشناخت داوود که ماآزموده ایم اورا
پس طلبِ آمرزش کرداز پرورد
گارخود و بیفتاد سجده کنان وبازگشت
بخدا (۲۴) .

پس بیامریزیدیم اوراآن لغزش اووهرآئینه
اورانزد ما قربت ست ونیکوبازگشت ست
(۲۵) .

گفتیم ای داوود وهرآئینه ساختیم
تراجانشین (پادشاه) درزمین پس حکم
کن میان مردمان براستی وپیروی مکن
خواهش نفس را که آن گمراه کند ترا
ازراه خدا هرآئینه آنانکه گمراه می شوند
ازراه خدا ایشان راست عذاب سخت
بسبب آنکه فراموش کردند روزحساب را
(۲۶) .

ونیا فریدیم آسمان و زمین را وانچه

بَعْضُنَا عَلِ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا يَا سَمِيعُ وَلَا تَشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى
سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿۲۲﴾

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَجْعَةً وَلِي فِي نَجْعَةٍ وَأَجِدُكَ
فَقَالَ الْفِيلِبِّيُّهَا وَخَرَفَنِي فِي الْخَطَابِ ﴿۲۳﴾

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَجْعِكَ وَإِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْخُلَكَاءِ لِيَقْبِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ
وَحَرَّرَ أَخَاهُ وَأَنَابَ ﴿۲۴﴾

فَعَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِن لَّهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحَسَنَ مَّآبٍ ﴿۲۵﴾

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ
بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ
الَّذِينَ يُضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ إِنَّهُمْ
يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿۲۶﴾

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَابَيْنَهُمَا إِلَّا بَلَاءَ ذَلِكُمْ ظَنُّ

کرد بخدا^(۱) (۳۴) .

گفت ای پروردگار من بیامرز مرا و عطا کن مرا آن پادشاهی که راست نیاید هیچکس را غیر از من هر آینه توئی بخشاینده (۳۵) .

پس مسخر گردانیدیم برای او باد را میرفت به فرمان او با هستگی روان شده هر جاکه خواسته باشد (۳۶) .

و مسخر گردانیدیم دیوان را هر عمارت بناکننده و هر فرورونده بدریا (۳۷) .

و مسخر گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا بهم بسته درزنجیرها (۳۸) .

گفتیم این ست بخشش ما پس عطا کن یا نگاهدار بغیر آنکه با تو حساب کرده شود (۳۹) .

و هر آینه اورانزد ما قربت ست و نیکو بازگشت ست (۴۰) .

و یادکن بنده ما ایوب را چون ندا کرد به پروردگارش خود که دست رسانیده است مرا شیطان برنجوری و درد (۴۱) .

گفتیم بزنی زمین را به پای خود ناگهان آن چشمه باشد که مهیا برای غسل سرد بود و آشامیدنی باشد (۴۲) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَمُنُّ بِآيَاتِي إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا
بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۳۴﴾

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْوِي بِأَمْرِهِ رُجَاءَ حَيْثُ أَصَابَ ﴿۳۵﴾

وَالسَّاطِنِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ ﴿۳۶﴾

وَالْآخَرِينَ مَقْرِنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿۳۷﴾

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۸﴾

وَإِنْ لَهُ عِنْدَنَا الرَّغْبَىٰ وَوَحْنٌ مِّمَّيَّاتٍ ﴿۳۹﴾

وَأَذِّنْ لِلْعِبَادِ إِنَّ يُوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ
بِنُصُوبٍ وَعْدَايٍ ﴿۴۰﴾

أَكْفُصْ بِرَحْمَتِكَ هَذَا غُمَّتْسَلُّ بِأَرْدٍ وَسُرَابٍ ﴿۴۱﴾

(۱) مترجم گوید سلیمان علیه السلام از امراء خود منغص شد و بخاطر آورد که امشب باصدزن جماع کنم و هرزنی پسری زاید و هر یکی شهبواری باشد جهاد کننده مرا احتیاج متعلق امر را نافتد فرشته گفت انشاء الله بگو سلیمان سهو کرد پس هیچ زن حامله نشد الا یک زن طفل ناقص الخلقه زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد والله اعلم .

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِمَّا لَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا ذِكْرِي

لِأُولِي الْأَرْبَابِ ﴿۴۳﴾

وَحُذِّبِيكَ ضَعْفًا فَاصْرَبِي بِهِ وَلَا تَحَدَّثِي إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا

يَعْمُرُ الْعَمِيدَ إِنَّهُ أَقْوَابٌ ﴿۴۴﴾

وَأَذْكُرْ عَبْدًا تَارَ بِرَبِّهِمْ وَالسُّنَّ وَنِعْمَ أَبُو الْأَيْدِي

وَالْأَبْصَارِ ﴿۴۵﴾

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرِي الْكَلَامِ ﴿۴۶﴾

وَأَذْكُرْهُمْ عِنْدَنَا لِيْنَ الْمُصْطَفِيْنَ الْكُفْيَارِ ﴿۴۷﴾

وَأَذْكُرْ سُمَيْلَ وَ الْيَسَعَ وَذَ الْكَيْفِ وَكُلَّ مَنِ الْاُخْيَارِ ﴿۴۸﴾

هَذَا ذِكْرُ رَأِي لِبُنْتَيْنِ كَحْنِ بَابِ ﴿۴۹﴾

جَدَّتْ عَدْنُ مَفْتَحَةَ لَمَّ الْاُجَابِ ﴿۵۰﴾

مُنْتَكِبِينَ فِيهَا يَدُ حُونَ فِيهَا يَدُ كَثِيرَةٍ وَشَرَابِ ﴿۵۱﴾

وعطا کردیم او را اهل خانه او مانند ایشان
همراه ایشان بخشاشی از نزد خود و پندی
خداوندانِ خرد را (۴۳) .

وگفتیم بگیر بدست خود دسته شاخه‌پس
بزن بآن^(۱) و خلاف سوگند مکن هر آئینه
ما او را یافتیم شکبیا نیک بنده بود ایوب
هر آئینه او رجوع کننده بخدا بود^(۲) (۴۴) .

و یادکن بندگان ما ابراهیم و اسحق
و یعقوب را خداوندان دست‌ها و چشم
ها^(۳) (۴۵) .

هر آئینه ما میکروساختیم ایشانرا برای
خصلتی پاک که یادکردن آخرت
ست (۴۶) .

و هر آئینه ایشان نزد ما از برگزیدگان نیکان
بودند (۴۷) .

و یادکن اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را
و هر یکی از نیکان بودند (۴۸) .

این قرآن پندی هست و هر آئینه پرهیزگاران
را نیک بازگشت ست (۴۹) .

بوستانهای دائم ست کشاده کرده برای
ایشان دروازه‌ها (۵۰) .

تکیه کنان در آنجا می‌طلبند آنجامیوه
بسیار و شراب را (۵۱) .

(۱) یعنی زن خود را .

(۲) یعنی ایوب علیه السلام سوگند خورده بود که زن خود را صدضربه بزند خدای تعالی
بروی سهل ساخت .

(۳) یعنی علم و عمل هر دو بکمال داشتند و الله اعلم .

و نزد ایشان باشند زنان فرودآورنده چشم هم عمر بایکدیگر (۵۲) .

این ست آنچه وعده داده میشود شمارا برای روز حساب (۵۳) .

هرآئینه این رزق ماست نباشد آنرا هیچ زوال (۵۴) .

این ست جزا وهر آئینه ازحد گذشتگان را بدبازگشتی باشد (۵۵) .

که دوزخ است درآیند آنجا پس بدآرام گاه است (۵۶) .

این عذاب آب گرم ست وزرداب ست پس باید که بجشید آنرا (۵۷) .

وعذابی دیگرست مانند این انواع مختلف (۵۸) .

این^(۱) قومیست درآینده بآتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هرآئینه ایشان درآیندگان آتش اند (۵۹) .

تابعان گویند بلکه بر شمازمین کشاده مباد شماپیش آوردید عذاب را برای ما پس بدقرارگاهی ست دوزخ (۶۰) .

گویند ای پرورد گارماهرکه آئین قدیم ساخته باشد برای ماکفر پس زیاده بکن درحق اوعقوبت درآتش (۶۱) .

وگفتند اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که می شمردیم ایشانرا

وَعِنْدَهُمْ قَصْرِتُ الظُّرْبِ التُّرَابِ ۝

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝

إِنَّ هَذَا الرِّزْقَ مَالَةٌ مِنْ تَفَادٍ ۝

هَذَا حِرَابٌ لِلظَّالِمِينَ لِكُلِّ مَرَأٍ ۝

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيُسَخَّرُونَ بِهَا ۝

هَذَا قَلِيدٌ وَقُوَّةٌ حَبِيمٌ وَعَسَائِقُ ۝

وَأَخْرَجْنَا مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجًا ۝

هَذَا قَوْمٌ مَقْتَحُونَ مَعَكُمْ لَأَمْرَجِبَ إِلَيْهِمْ أَنْهُمْ صَالُوا النَّارِ ۝

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَأَمْرَجِبَ إِلَيْكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمْوهَا لَنَا فَيُسْ

الْقَرَارُ ۝

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَوَدِدْنَا عَذَابَ الْإِضْغَاتِ النَّارِ ۝

وَقَالُوا مَا لَنَا لَنْزَلِ رَبِّكَ لَنَا نَعْدُ هُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ۝

(۱) چون تابعان خواهند که بدوزخ درآیند متبوعان را گفته شود .

ازبدان^(۱) (۶۲) .

آیا مسخره می‌گرفتیم ایشان را یا برگشته
است از ایشان دیده‌ها (۶۳) .

هرآئینه این راست ست مراد از آن
خصومت کردنِ اهل دوزخ ست
بایکدیگر (۶۴) .

بگوزاین نیست که من ترساننده ام
و نیست هیچ معبود برحق مگر خدای
یگانه زیادقوتمند (۶۵) .

پروردگار آسمان‌ها وزمین و آنچه میان
این‌هاست غالب آمرزگار (۶۶) .

بگواین خبری بزرگ ست (۶۷) .

شما ازوی روگرداننده‌اید (۶۸) .

نیست مراهیچ دانش بحال این جماعت
بلند قدر از فرشتگان چون بایکدیگر
سوال وجواب میکنند (۶۹) .

وحی فرستاده نمی‌شود بسوی من مگر
آنکه من ترساننده آشکارم (۷۰) .

ویادکن چون گفت پروردگارتوبه
فرشتگان هرآئینه من آفریننده ام آدمی را
ازکل (۷۱) .

پس چون راست کنم اورا وبدم دروی
روح خود را پس درافتید اورا سجده
کنان (۷۲) .

پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان
همه یک جا (۷۳) .

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّنَّا آيَاتٍ مُّزَعَّجَاتٍ عَنْهُمْ الْبَصَارَ ۝۳۱

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَافُهُمُ أَهْلُ النَّارِ ۝۳۲

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَأْنِي إِلَهِ إِلَّا اللَّهُ
الْوَالِدُ الْقَهَّارُ ۝۳۳

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۝۳۴

قُلْ هُوَ نَبَوُّ عَظِيمٌ ۝۳۵

أَنْتُمْ عَنْهُ مَعْرِضُونَ ۝۳۶

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِأَلْبَابِ الْأَعْمَالِ إِذِي يَخْتَصِمُونَ ۝۳۷

إِنْ يُؤْمِرُ إِلَهِ إِلَّا أَنَا أَنْزِلُ مَنبِئِينَ ۝۳۸

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ ۝۳۹

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ يٰٓسٰٓجِدُونَ ۝۴۰

فَسَجَدَ الْمَلٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝۴۱

(۱) یعنی فقراء مسلمین .

مگر شیطان سرکشی کرد و شد از کافران
(۷۴) .

گفت خدای شیطان چه چیز باز داشت
ترا از آنکه سجده کنی چیزی را که
آفریدمش بدو دست خود آیات کبر کردی یا
بحقیقت هستی از بلند قدران (۷۵) .

گفت من بهترم از وی آفریدی مرا از آتش
و آفریدی او را از گل (۷۶) .

گفت بیرون شواز بهشت هر آئینه تورانده
شده ای (۷۷) .

و هر آئینه بر تو لعنت من باد تا روز جزا
(۷۸) .

گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا
تا آنروز که برانگیخته شوند مردمان (۷۹) .

گفت هر آئینه تو از مهلت داد گانی (۸۰) .
تا روز آن وقت معین (۸۱) .

گفت شیطان پس قسم بعزت تو که البته
گمراه کنم ایشانرا همه (۸۲) .

الآبندگان خالص کرده تو از ایشان (۸۳) .
فرمود پس سخن راست ست این و

سخن راست میگویم (۸۴) .

البته پرکنم دوزخ را از تو و از آنانکه پیروی
تو کنند از ایشان همه یکجا (۸۵) .

بگوسوال نمی کنم از شما برتبلیغ قرآن
هیچ مزدی را و نیستم از تکلف کنند
گان^(۱) (۸۶) .

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۷۴﴾

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيدِي
أَسْكَبْتُ أَنْزَلْتُكَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۷۵﴾

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿۷۶﴾

قَالَ فَاصْبِرْ وَمِنَ الْفَائِتِكِ رَبِّمُ ﴿۷۷﴾

وَأَنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۷۸﴾

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۷۹﴾

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿۸۰﴾

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿۸۱﴾

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۲﴾

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿۸۳﴾

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿۸۴﴾

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ بَعَدَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۵﴾

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿۸۶﴾

(۱) یعنی دعوی وحی نه کنم بغیر تحقیق .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۸۷﴾

وَلَتَعْلَمَنَّ يَوْمَآءَ بَعْدَ حِينٍ ﴿۸۸﴾

نیست قرآن مگر پندی عالم هارا (۸۷) .
والبته خواهید دانست صدق آنرا بعد
زمانی (۸۸) .

سوره زمر مکی است و آن هفتاد پنج
آیت و هشت رکوع است



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴿۱﴾

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ الْحَكِیْمِ ﴿۲﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللّٰهَ مُخْلِصًا
لَّهُ الدِّیْنَ ﴿۳﴾

اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِیْنَ وَالْاَرْضَ وَالَّذِیْنَ اَخَذَ مِنْ دُوْنِهِمْ اٰوْلِیَآءَ
مَنْ عَصٰهُمْ فَهُمُ الْاٰلِیْمُ یُوْتَاوَالِ اللّٰهُ وَلَقَدْ اِنَّا اللّٰهُ یَخْلُقُ
بَیْنَهُمْ فِیْ نٰهْمُ وِیْءٌ یَغْتَلِبُوْنَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَیَهْدِیْ مَنْ
هُوَ اَشَدُّ بَصَرًا ﴿۴﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .
فروفرستادن این کتاب از جانب خدای
غالب با حکمت ست (۱) .

هر آئینه ما فروفرستادیم بسوی تو کتاب را
براستی پس عبادت کن خدارا خالص
کرده برای او پرستش را (۲) .

آگاه باش مرخدارا است (۱) پرستش
کردن خالص (۲) و آنانکه دوستان گرفتند
بجز خدا (و گفتند) عبادت نمی کنیم
ایشان را مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را
بخدا در مرتبه قرب هر آئینه خدا حکم
می کند میان ایشان در آنچه ایشان در آن
اختلاف دارند هر آئینه خدا راه نمی
نماید کسی را که او دروغگو
بسیار ناسپاس است (۳) .

اگرخواستی خدا که فرزند گیرد البته
برگزیدی از آن جمله که خلق کرده ست
چیزی را که میخواست پاکی او راست
اوست خدای یگانه با قوت (۴) .

لَوْ اَرَادَ اللّٰهُ اَنْ یَّخْلُقَ لَوْ اَرَادَ الصَّلٰفِیْ بِمَا یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ
سُبْحٰنَكَ هُوَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۵﴾

(۱) یعنی مقبول نزد اوست .

(۲) یعنی بغیر شرك .